

ماجراهای مدرسه‌ای در یک جزیره

بخش اول: سفری به پارک آهوان

هیوا علیزاده

طراح آموزشی و پژوهشگر

مدرسه‌شان یک عالمه کار دارند و اینکه در این مدرسه به آن‌ها خوش می‌گذرد.

و شرح یک ماجرا:

در حال کار روی پروژه‌های دربارهٔ موجودات زنده بودیم؛ پروژه‌ای به وسعت یک سال تحصیلی، پروژه‌ای که از مشاهدهٔ موجودات زندهٔ اطرافمان تا تحقیق دربارهٔ موجودات اعماق اقیانوس‌ها را در بر می‌گرفت. پروژه‌ای که پرسش‌های آن سرآغاز بسیاری از ماجراجویی‌ها بود؛ از کشف موجودات حیات مدرسه و تماس تلگرامی با یک جانورشناس برای شناخت بیشتر آن گرفته تا پرورش سبزیجات و تماشای جوانه زدن آن‌ها، تا به بار آمدن نخودهای مدرسه که همه‌مان را شگفت‌زده کرد.

سرآغاز

چهارمین ماه از تأسیس مدرسهٔ زندگی را در دی‌ماه ۹۶ می‌گذراندیم؛ مدرسه‌ای با یک پایهٔ تحصیلی (چهارم ابتدایی) و ۱۱ دانش‌آموز پسر و معلمی که اولین بار در نیمه‌های مرداد ۹۶ به جزیرهٔ کیش رفته بود و از همان روز قصه‌هایش در مدرسه‌ای که در آن موقع هنوز مدرسه نبود، آغاز شد. قرار است در اینجا دربارهٔ ماجراهای سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ این مدرسه نوشته شود؛ مدرسه‌ای که هر روز آن به قول دانش‌آموزانش با روز قبل فرق داشت. مدرسه‌ای که در آن از همان ماه اول بچه‌ها به دنبال این بودند که بزرگ‌ترهایشان را راضی کنند تا بتوانند بیشتر در مدرسه‌شان بمانند. اینکه بخواهند نامه‌ای به ادارهٔ آموزش و پرورش بنویسند و تقاضا کنند که پنجشنبه‌ها و حتی جمعه‌ها به مدرسه بیایند. چون به قول خودشان در



برای رفتن به پارک آهوان لازم بود نامه‌نگاری‌های اداری انجام شود. همین امر زمینه‌آشنایی دانش‌آموزان با نامه‌نگاری اداری را فراهم آورد. به دنبال آن، چند نامه‌اداری را بررسی کردیم



قبل از رفتن، لازم بود روی نقشه جزیره کیش محل‌هایی را که می‌خواستیم بازدید کنیم، پیدا کنیم و این کار منجر به آشنایی بیشتر ما با خواندن نقشه، آن هم در بستر یک کار عملی شد

تا سرانجام، خودمان توانستیم نامه‌اداری بنویسیم.

در مسیر هماهنگی برای رفتن به پارک آهوان، دوستانی که قرار بود به‌عنوان راهنما همراه ما باشند پیشنهاد دادند که علاوه بر پارک آهوان از سایت لاک‌پشت‌های دریایی هم بازدید کنیم و این‌طوری بود که خوشحالی‌مان از یک اردوی علمی چندین برابر شد.

قبل از رفتن، لازم بود روی نقشه جزیره کیش محل‌هایی را که می‌خواستیم بازدید کنیم، پیدا کنیم و این کار منجر به آشنایی بیشتر ما با خواندن نقشه، آن هم در بستر یک کار عملی شد؛ چون از قبل در پروژه‌های دیگر برای آشنایی با جهت‌های اصلی و راهنمای

نقشه کار کرده بودیم و حالا نوبت این بود که آن‌ها را به کار ببریم و همین نقشه‌خوانی و پیدا کردن محل‌های هدف منجر به آشنا شدن با مختصات به‌کار رفته روی نقشه شد.

در تمام مسیر جست‌وجوی‌هایمان یکی از چیزهایی که رشد می‌کرد، تعداد و کیفیت پرسش‌هایی بود که مطرح می‌شد و همین پرسش‌ها همانند یک چراغ روشن ادامه مسیر را نشانمان می‌دادند.

بالاخره، روز اردو فرا رسید و قبل از رفتن، هماهنگی لازم برای اینکه چه چیزهایی با خود همراه باشیم، هر فرد چه مسئولیتی داشته باشد، از سوار و پیاده کردن وسایل لازم در ماشین گرفته تا جمع کردن زباله‌ها، گفت‌وگو کردیم.

به این ترتیب، سفرمان آغاز شد و بعد از حدود بیست دقیقه

در مسیر ماجراجویی‌هایمان با کتاب‌ها و افراد کارشناس و سایت‌های مختلفی آشنا شدیم و از مکان‌های هیجان‌انگیزی همچون منطقه حفاظت‌شده لاک‌پشت‌های دریایی جزیره و همچنین پارک آهوان کیش، بازدید داشتیم.

یک روز که در حال کار روی مفهوم زنجیره غذایی از جمله مفاهیم کتاب درسی علوم تجربی بودیم، از جمله حیواناتی که با خود بستری برای تعریف یک عالمه خاطره ایجاد کرد جانور زیبایی به نام آهو بود. در کیش، آهو از جانورانی است که در مسیر فرودگاه به راحتی در بلوارهای شهر دیده می‌شود و تجربه بسیار جالبی است وقتی می‌بینی که این موجود زیبا در گوشه‌ای ایستاده است و تو را نگاه می‌کند یا وقتی شب‌ها در حین رانندگی چندین چشم را می‌بینی که برق می‌زنند و نزدیک‌تر که می‌شوی، تعدادی آهو هستند که بکدفعه شروع به دویدن می‌کنند.

در کلاس تصمیم گرفتیم درباره این موجود زیبا بیشتر بدانیم و برای این کار از اینجا شروع کردیم که هر فرد بگوید که فکر می‌کند چه چیزهایی درباره آهو می‌داند. بعد از آن، از بچه‌ها خواسته شد که سؤالاتی را که درباره این موجود دارند، مطرح کنند. آن‌ها را روی تخته کلاس ثبت کردیم و برای پیدا کردن پاسخ‌هایشان راه‌های مختلفی پیشنهاد شد؛ از جست‌وجوی اینترنتی و مطالعه کتاب گرفته تا سر زدن به پارک آهوان کیش، که منطقه‌ای حفاظت‌شده است.

باید برنامه‌ریزی می‌شد که چه روزی در اینترنت جست‌وجو شود و کتاب‌های مرتبط با موضوع آهو از کتابخانه جمع‌آوری گردد. همچنین، بررسی شود که برای رفتن به پارک آهوان چه هماهنگی‌هایی لازم است انجام گیرد.

در این مسیر، از جمله کتاب‌هایی که ورق زدنش در کلاس برای همه هیجان خاصی داشت، «حیات وحش ایران» بود که عکس روی جلد آن نیز آهویی زیباست.



گفت‌وگو درباره درخت کهور ایرانی، جزیره کیش

در شهری بدون ترافیک به سایت لاک‌پشت‌های دریایی کیش رسیدیم و با محیط‌بان مهربان، آقای جبلی که از نویسندگان کتاب بارزش «پرندگان جزیره کیش» نیز هست، در همان جا آشنا شدیم. در بدو ورودمان به پیشنهاد بچه‌ها یک عکس یادگاری در جلوی در گرفتیم. آقای جبلی هم برایمان توضیح داد که مجسمه ساخته شده در ورودی سایت لاک‌پشت‌ها، لاک‌پشت خشکی است نه لاک‌پشت دریایی. درباره تفاوت‌های آن‌ها سؤال شد. بالاخره، به ساحل قدم گذاشتیم؛ ساحلی که کشف هر نقطه‌اش، از دانه‌های شن گرفته تا سفیدی موج‌هایش، از صدف‌های رنگی بر ساحل نشسته گرفته تا باقی‌مانده خرچنگ‌هایش، از پرنده‌هایش در کمی آن‌طرف‌تر تا اسفنج‌هایی که می‌توانی از نزدیک لمسشان کنی، با فریادهای شوق بچه‌ها همراه بود. آن‌ها تقریباً هر چند ثانیه یک بار می‌دویدند و می‌گفتند: «خانم! این را ببینید!»

در آن زمان لاک‌پشتی آنجا نبود ولی آقای جبلی یک عالمه برایمان از لاک‌پشت‌ها گفت و این موضوع که آن‌ها در ساحل چاله‌ای به عمق حدود ۵۰ سانتی‌متر برای تخم‌گذاری حفر



تجربه چاله کردن در ساحل شنی برای درک بیشتر آنچه لاک‌پشت دریایی انجام می‌دهد، جزیره کیش

می‌کنند. همین باعث شد که بچه‌ها شروع به کندن ساحل کنند و در همین مسیر کشف‌ها و سؤالاتی دیگر متولد شد. البته همه این‌ها با اجازه آقای جبلی بود. او از اینکه بچه‌های مدرسه را تا آن حد سرشار از شوق یادگیری و پرسش می‌دید، ابراز خوشحالی می‌کرد. ما که طبق برنامه وقت زیادی نداشتیم، باید عازم پارک آهوان می‌شدیم؛ بماند که دل کندن از آن منطقه هیجان‌انگیز، آن هم در چنان جمع کنجکاو و پرشوری، چقدر برای همه سخت بود!



نمودار مربوط به پروژه آشنایی با طبقه‌بندی موجودات زنده، مدرسه زندگی

راهی پارک آهوان شدیم و در ون از روی نقشه، مسیر را دنبال کردیم. گردش در پارک به این صورت بود که همگی در ون نشسته بودیم و از پنجره‌های خودروی در حال حرکت در محدوده پارک، آهوان را تماشا می‌کردیم. دیدن اولین آهو با خودش این جمله را به همراه آورد: «خانم ... من یکی دیدم!!! و چند ثانیه بعد، فریادهای سرشار از هیجان بود که به گوش می‌رسید: من هم دیدم! نگاه کنید! نگاه کنید!!! و ...»

قرار شد تعداد آهوهای را که می‌بینیم بشماریم. بماند که در مواردی، تعداد آهوئی که بچه‌ها شمارش کرده بودند، از تعداد آهوئی که طبق آمار آقای جبلی در پارک بود، بیشتر بود!

وقتی از ون پیاده شدیم، دور هم میان‌وعده‌ای خوردیم و پس از آن، سیل سؤالات جاری شد؛ از رنگ لباس آقای جبلی گرفته تا اینکه آهوها چه می‌خورند و چه موجودی آهو را می‌خورد و در تمام موارد، آقای جبلی با صبوری پاسخگوی سؤالات بود. از آقای جبلی درباره درختی که همه ما را بدون هیچ منتی زیر سایه‌اش جا داده بود سؤال کردیم؛ اینکه نامش چیست و چند ساله است و در اینجا بود که با درخت کهور بیشتر آشنا شدیم؛ درخت کهوری که به گفته آقای جبلی حدود دویست سال عمر داشت و در کنار آن متوجه شدیم در جزیره دو نوع کهور وجود دارد: یکی کهور پاکستانی که بومی جزیره نیست و دیگری کهور ایرانی؛ همانند درخت تنومندی که زیر سایه‌اش نشسته بودیم و به نوبت، تک‌دوربین دوچشمی مدرسه را، که از اشیای محبوب مدرسه زندگی بود، به دست می‌گرفتیم و با آن آهوئی را که از دور ما را نگاه می‌کردند، تماشا می‌کردیم.

در پایان، از آقای جبلی به خاطر همه زحماتش سپاسگزاری کردیم و با کوله‌باری از تجربه و خاطره به مدرسه بازگشتیم. فردای آن روز در جلسه گفت‌وگوی صبحگاهی که هر روز در مدرسه داشتیم، از کشف‌هایمان صحبت کردیم.